

گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش «بچه نهنگ»

زمزمه انسانیت و دریا

مریم عظیمی

گفت‌وگو

نمایش «بچه نهنگ» به نویسندگی زیبا برچی فلاح و کارگردانی احسان مجیدی اثری در ارتباط با اهمیت زیست و تعامل نوع بشر با طبیعت و جانداران است. این نمایش داستان خواهر و برادری به نام آسو و ابراست که در تلاش برای نجات یک بچه نهنگ به دنیای اطراف خود درس انسانیت می‌دهند. در ادامه گپ‌وگفت خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.



احسان مجیدی، کارگردان

تفاوتی بین تئاتر کودک و بزرگسال نمی‌بینم

خود من سابقه اجرای چندین اثر را در تالار هنر دارم و بعد از چند سالی که در تالار هنر کار نکرده بودم مدیریت تالار هنر بر اساس لطفی که به من داشت از این کار دعوت کرد.

چه بازه سنی برای مخاطب این نمایش در نظر گرفتید؟

خب بعد از دوره خردسالی یعنی اوایل دبستان که به قول معروف بچه‌ها وارد دبستان می‌شوند تا نه سال یک دوره کودکی است و ۹ تا ۱۲ سال نیز دوره بعدی و از ۱۲ سال به بعد فرد وارد نوجوانی می‌شود که خود آن هم خودش به دو دوره تقسیم می‌شود اما گروه هدفش این کار ۹ تا ۱۲ سال، یعنی بچه‌های این طیف سنی است و همانطور که شخصیت‌های اصلی نمایش یعنی دو قلوها در طیف ۱۰ سال سیر می‌کنند، مخاطب نیز در همین طیف است اما معنایش این نیست که مخاطبان با سنین بزرگتر یا کوچکتر از این نمایش، داستان و تصاویرش بهره‌ای نمی‌برند ولی گروه هدف نمایش من بچه‌های تقریباً ۹ تا ۱۲ سال هستند و این گروه کودک تلقی می‌شود از این جهت بچه نهنگ یک نمایش کودک است.

با تمام این اوصاف به نظر می‌رسید که برای نوجوانان حاضر در سالن هم اثر جذاب بوده و ارتباط گرفته‌اند.

بله حتی برای بزرگسالان، همانطور که می‌دانید بزرگسالان نیز وقتی نمایش کودک می‌بینند چون در لحظه سیر می‌کنند، به دوران کودکی خودشان برمی‌گردند و درونیاتی که شاید از قبل جا مانده و به آن پرداخته نشده، بولد می‌شود به همین علت از نمایش کودک لذت و بهره می‌برند نوجوانان نیز همینطور چون این اثر رگه‌هایی دارد که به نوجوانان مربوط می‌شود مثلاً آن دو شخصیت بزرگتر کار عبد و سمیر که با نهنگ چالش دارند و نهنگ را صید کرده‌اند نماینده طیفی از نوجوانان ما هستند و نوجوانان هم این بلند پروازی‌ها را دارند و

قبول کردم و پاشا کشاورز نقش پسر بچه کار هم به واسطه یکی دیگر از دوستان معرفی شدند. چالش حضور کودکان و نوجوانان در تیم بازیگری نیاز به تمرین بیشتر است مخصوصاً برای آن دسته که تا به حال روی صحنه نرفته‌اند. تمرین بیشتر سبب می‌شود که فضای کار را بیشتر درک کنند و در عین حال باید به آنها از پایه آموزش بازیگری بدهید و چون سنشان کم است مدل آموزشی نیز کمی متفاوت می‌شود. خوشبختانه در حین تولید و اجرای این اثر نیز خانواده‌های بچه‌ها خیلی همراه بودند و خیلی سخت نگذشت بخصوص که تمرین طولانی با بچه‌ها می‌تواند برای گروه هم سخت باشد و بازیگران حرفه‌ای باید تحملشان بیشتر باشد.

تمرینات کار چقدر طول کشید؟

دست روی دلم نگذارید که خون است... (می‌خندد) از آذر ماه سال قبل تمرینات آغاز شد و قرار بود بهمن ماه اجرا برویم، کار هم آماده بود ولی شرایطی پیش آمد که نشد. در ابتدا نیز قرار بود اوایل اردیبهشت در تالار هنر اجرا برویم اما آخر اردیبهشت امکانش فراهم نشد و با تعطیلی‌ها و امتحانات خرداد نیز مواجه بوده و هستیم که کم و زیاد به کار آسیب می‌زند.

رسیدن کار به تالار هنر چگونه بود؟

تالار هنر به حوزه هنری پیشنهاد داد که این کار در تالار هنر اجرا شود و حوزه نیز این موضوع را با من مطرح کرد و چون تهیه کننده کار دوستان حوزه هنری هستند از این پیشنهاد استقبال کردم. علاوه بر این

داشتید؟

خیر اتفاقاً آن نمایش در فضا و ساختار نمایش کلاسیک بود و به نوعی در یک ناکجا آباد می‌گذشت. این اولین باری است که در نمایشم از فضای ایرانی استفاده می‌کنم و فرهنگ بومی کشور خودمان را وارد نمایش می‌کنم و البته تصمیم دارم از این به بعد بیشتر این کار را انجام دهم چون خودم نیز به آن علاقه مند شده‌ام. اعضای گروه نیز هیچ کدام ربطی به جنوب ندارند و به همین دلیل ما در زمینه گویش از مارال ایزدبخش که از دوستان من و هنرمندی شناخته شده و بازیگری درجه یک هستند کمک گرفتیم و خب الحمدلله ما حاصلش هم خوب بوده یعنی مخاطبان خوزستانی می‌گویند که با لهجه ما صحبت شده و مخاطبان هرمزگانی نیز همینطور اما لهجه بوشهری‌ها کمی غلیظ تر است و شاید بوشهری‌ها کمی به ما سخت بگیرند ولی خدا را شکر باز قبولمان دارند و می‌گویند که بدک نیست هی خوبه...

در تیم بازیگران از دو نوجوان استفاده کرده‌اید که مسلماً چالش‌هایی به همراه دارد. لطفاً از این انتخاب و چالش‌هایش بگویید؟

هلیا نصراللهی که نقش دختر کار را بازی می‌کند پیش از این نیز تجربه بازیگری داشت و بچه‌های حوزه تئاتر کودک و نوجوان او را می‌شناسند اما در نهایت نویسنده از آنجا که هلیا از شاگردان ایشان بود این پیشنهاد را دادند و من هم

این پروژه از کجا شروع شد؟

این پروژه در واقع به سفارش حوزه هنری بود و بر اساس موضوع مد نظر آنها من بدنبال قصه‌ای بودم که به فضای این سفارش بخورد. پیرو همین موضوع متوجه شدم کتابی از انتشارات کانون پرورش فکری که پیشتر خوانده بودم به این فضا بسیار نزدیک است در ادامه من آنرا ایرائیزه کردم، ساختاری برایش طراحی کردم و بعد، از نویسنده خواستم براساس آن طرح اولیه، نمایشنامه را آماده کند.

یکی از مهمترین ابعاد این نمایش فرم بومی آن است. از این که چرا فرم بومی را انتخاب کردید بگویید.

واقعیتش این است که برای تأثیرگذاری بیشتر این فرم انتخاب شد. خب قصه اصلی که من بر اساس آن شروع کردم یک قصه خارجی بود و به نظرم آنقدر که فرم بومی می‌توانست، تأثیرگذار نبود به اقتضای فضا و اینکه در بای قصه باید دریای آزاد می‌بود که نهنگ داشته باشد جنوب کشور را انتخاب و در آن فضا هم روی جغرافیا و هم فولکلور کار کردم و سعیم این بود که از آن فضا وام بگیرم.

آیا خودتان اهل جنوب ایران هستید؟

نخیر، اتفاقاً من از شمال غربی ایران و آذری زبان هستم و نکته جالب اینکه از لحاظ فرهنگی علاقه‌مند به جنوب و شرق ایران هستم بخصوص از لحاظ موسیقایی برایم بسیار جذاب است.

آیا در آثار قبلی مثل استخوان ماهی جادویی نیز چنین فضایی

